

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (1)

والا مقام است آنکه فرو فرستاد فرق کننده (قرآن) را بر بنده خود تا باشد برای جهانیان بیم دهنده. (1)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (2)

آنکه برای او است پادشاهی آسمانها و زمین و نگرفته فرزندى و نیست برای او شریکی در پادشاهی و آفرید همه چیزی را پس اندازه کرد آن را اندازه کردنی. (2)

وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلَقُونَ وَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُورًا (3)

و گرفتند از غیر او معبودان، نمی آفرینند چیزی و ایشان آفریده می شوند و نمی شوند صاحب برای خود شان زیانی و نه سودی و نمی شوند صاحب مرگی و نه زنده گی ئی و نه دوباره زنده کردنی. (3)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّا هَذَا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا (4)

و گفتند آنانکه نامعتقد شدند: نیست این مگر دروغی که بر بافته آن را و یاری داده او را بر آن گروه دیگری؛ پس به یقین آمدند (انجام دادند) ستمی را و دروغی را. (4)

وَ قَالُوا سَطِيرٌ الْأَوَّلِينَ اِكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَ أَسِيلًا (5)

و گفتند: افسانه های پیشینیان است که نوشته شده است آنها پس آن خوانده می شود بر او صبح و شام. (5)

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (6)

بگو: فرو فرستاد آن را آنکه می داند راز را در آسمانها و زمین. هر آئینه او است آمرزنده، با رحم. (6)

وَ قَالُوا مَا لِي هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ أَنزَلْنَا إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (7)

و گفتند: چیست برای این پیغمبر می خورد غذا را و می رود در بازار ها، چرا فرو فرستاده نشد به سوی او فرشته ئی پس (تا) باشد همراه او بیم دهنده ئی؟ (7)

أَوْ يُلقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

(8)

یا افکنده شود به سوی او گنجی یا باشد برای او بوستانی که بخورد از آن؟ و گفتند ستم گاران: نمی کنید پیروی مگر مرد جادو شده ئی را. (8)

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (9)

ببین چگونه زدند برای تو مثال ها پس گمراه شدند پس نمی توانند (بیابند) راهی. (9)  
تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ يَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا (10)

والا مقام است آنکه اگر می خواست می ساخت برای تو بهتر از این، بوستان هائی که می رود از زیر آنها دریا ها و می سازد برای تو قصر ها. (10)

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ صَلَّى وَ أَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا (11)

بلکه به دروغ نسبت کردند قیامت را؛ و آماده ساختیم ما برای کسی که به دروغ نسبت کرد قیامت را آتش شعله وری را. (11)

إِذَا رَأَتْهُمْ مِّنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَ زَفِيرًا (12)

وقتیکه دید ایشان را از جای دور شنیدند از آن فریاد خشم خوردن و جوش و خروش ناشی از خشم را. (12)

وَ إِذَا أَلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (13)

و وقتیکه افکنده می شوند از آن دوزخ جای تنگی، دست و پا بسته به فریاد خواستند آنجا مرگ را. (13)

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَ ادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا (14)

(گفته شوند) نخواهید به فریاد امروز مرگ را یک بار و بخواهید به فریاد بسیار را. (14)

قُلْ أَدْلِكْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ، كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَ مَصِيرًا (15)

بگو: آیا این بهتر است یا بهشت جاودان، آنکه وعده داده شده پرهیزگاران را؟ است آن برای ایشان پاداش و جای باز گشت. (15)

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ، كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَ عَدَا مَسْئُولًا (16)

برای ایشان در آن جا است آنچه بخواهند همیشه. است بر پروردگار تو وعده طلبیده شده. (16)

وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هِيَ - وَ لَا إِيَّاهُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (17)

و روزیکه (خدا) جمع می کند ایشان را و آنچه می پرستند از غیر خدا پس (خدا) می گوید:

آیا شما گمراه ساختید بنده گان مرا این ها را یا ایشان گم کردند راه را؟ (17)  
قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَ أَذَكُنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا  
الذِّكْرَ وَ كَانُوا قَوْمًا بُورًا (18)

گفتند: پاکست ترا نیست درست برای ما آنکه بگیریم از غیر تو از دوستان ( سرپرستان )  
ولیکن بهره مند ساختی ایشان را و پدران ایشان را تا آنکه فراموش کردند پند را و بودند  
گروه هلاک شده ئی. (18)

فَقَدْ كَذَّبَكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَ لَا نَصْرًا ۚ وَ مَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا  
(19)

پس به یقین به دروغ نسبت کردند شما را به آنچه می گوئید پس نمی توانید باز داشتن  
(عذاب را) و نه یاری دادن. و کسیکه می کند ستم از شما می چشانیم ما او را عذابی  
بزرگی. (19)

وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ ۗ وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ  
لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَ تَصْبِرُونَ ۗ وَ كَانَ رَبُّكَ بِصِيرًا (20)

و نفرستادیم پیش تو از پیغمبران مگر هر آینه ایشان البته می خوردند غذا را و می رفتند در  
بازار ها. و ساختیم ما بعضی شما را برای بعضی آزمایش، آیا شکیبائی می کنید؟ و است  
پروردگار تو بینا. (20)

وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَّا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَىٰ -بِكَاةٌ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا ۗ لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي -  
أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُتُوًا كَبِيرًا (21)

و گفتند آنانکه ندارند توقع ملاقات ما را: چرا نشد فرو فرستاده بر ما فرشته گان یا چرا نمی  
بینیم پروردگار خود را؟ البته به یقین بزرگ پنداشند خود را در نفس های شان و سرکشی  
کردند سرکشی بزرگی. (21)

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَىٰ -بِكَاةٌ لَا بَشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَ يَقُولُونَ حَجْرًا مَّحْجُورًا (22)

روزی که می بینند فرشته گان را نیست مزده آن روز برای گناه گاران و می گویند: حجراً  
محجوراً (جدائی ممنوع شده). (22)

وَ قَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا (23)

و متوجه شدیم ما به سوی آنچه کردند از کردار پس ساختیم ما آن را ذرات غبار پراکنده  
شده. (23)

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا (24)

باشنده گان بهشت آن روز بهترند در جایگاه و نیکوتر در استراحت گاه. (24)

وَ يَوْمَ تَشْفَقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّمْ وَ نَزَلَ الْمَلَىٰ -بِكَاةٌ تَنْزِيلًا (25)

و روزیکه بشکافد آسمان با ابرها و فرود آورده شوند فرشته گان فرود آوردنی. (25)

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ، وَ كَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (26)

پادشاهی آن روز حق است برای خدا. و باشد آنروز بر نامعتقدان دشوار. (26)

وَ يَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلِيْنَتِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (27)

و روزیکه می گزد ستم گر بر دست های خود، می گوید: ای کاش من می گرفتم همراه پیغمبر راهی. (27)

يَوْمَئِذِي لِيْنَتِي لَمْ آتْخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (28)

ای وای بر من! کاش من نمی گرفتم آن کس را دوست نزدیک. (28)

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي، وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (29)

البته به یقین گمراه کرد مرا از قرآن بعد اینکه آمد به من. و است شیطان برای انسان ترک کننده (تنها گذارنده). (29)

وَ قَالَ الرَّسُولُ يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (30)

و گفت پیغمبر: ای پروردگار من! هر آینه قوم من گرفتند این قرآن را ترک شده. (30)

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ، وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَ نَصِيرًا (31)

و این چنین ساختیم ما برای هر پیغمبری، دشمنی از گناه گاران. و بس است به پروردگار تو راه نمائی و یاری دهنده نی. (31)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً، كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ، وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا (32)

و گفتند آنانکه نامعتقد شدند: چرا فرو فرستاده نشد بر او قرآن همه یک بار؟ این چنین ( به قسمت، قسمت فرو فرستادیم) تا استوار سازیم به آن دل ترا؛ و خواندیم ما آن را آهسته، آهسته. (32)

وَ لَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا (33)

و نمی آیند به تو با مثالی مگر می آئیم ما به تو با حق و بهترین تشریح. (33)

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَ اضْلٌ سَبِيلًا (34)

آنانکه جمع کرده می شوند بر روی های ایشان به سوی دوزخ آنها بدترین اند از نگاه جای و گمراه ترین از راه. (34)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (35)

و البته به یقین دادیم ما موسی را کتاب را و ساختیم ما همراه او برادر او هارون را یاور. (35)

فَقُلْنَا أَذْهَبًا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَا لَهُمْ تَدْمِيرًا (36)

پس گفتیم ما: بروید هر دو به سوی قومی که آنان به دروغ نسبت کردند آیت های ما را پس نابود ساختیم ما ایشان را نابود کردن کامل. (36)

وَ قَوْمِ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَعْرَفْنَاهُمْ وَ جَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَ أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (37)

و قوم نوح را چون به دروغ نسبت کردند پیغمبران را، غرق ساختیم ما ایشان را و ساختیم ما ایشان را برای مردم نشانه ئی؛ و آماده ساختیم ما برای ستم گاران عذابی درد دهنده ئی. (37)

وَ عَادًا وَ ثَمُودَ وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا (38)

و عاد را و ثمود را و باشندگان الرس و نسل های بسیاری میان اینها. (38)  
وَ كَلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۖ وَ كَلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (39)

و همه را زدیم ما برای آن مثل ها؛ و همه را سخت هلاک کردیم ما سخت هلاک کردن کامل. (39)

وَ لَقَدْ آتَوْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي - أَمْطَرْنَا مَطَرَ السَّوْءِ ۖ أَ فَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (40)

و البته به یقین آمدند بر شهری آنکه بارانیده شد باران بد. آیا پس نبودند ببینند آن را؟ بلکه بودند نداشتند توقع دوباره زنده شدن را. (40)

وَ إِذَا رَأَوْكَ إِِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا أَمْ هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (41)

و وقتی که دیدند ترا نمی گیرند ترا مگر به مسخره گی، آیا این است آنکه فرستاده است خدا پیغمبری؟ (41)

إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْ لَا أَنْ صَبَّرْنَا عَلَيْهَا ۚ وَ سَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا (42)

اگر نزدیک بود البته گمراه می کند ما را از معبودان ما اگر نمی بودیم ما شکیبائی کننده گان بر آنها. و به زودی می دانند وقتی که بینند عذاب را که کیست گمراه تر از راه. (42)

أَمْ رَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ۚ أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (43)

آیا دیدی کسی را که گرفت معبود خود آرزوی نفس خود را، آیا پس تو می شوی بر او نگهبان؟ (43)

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ ۖ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (44)

آیا می پنداری آنکه بسیاری ایشان می شنوند یا می فهمند؟ نیستند ایشان مگر مانند

چهارپایان؛ بلکه ایشان گمراه تر اند از راه. (44)

أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَ لَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (45)  
آیا ندیدی به سوی پروردگار خود چگونه دراز ساخت سایه را و اگر می خواست البته می ساخت آن را ساکن، باز ساختیم ما آفتاب را بر آن نشانه. (45)  
ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (46)

باز جمع می کنیم ما آن را به سوی ما جمع کردن تدریجی. (46)  
وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَ النَّوْمَ سُبَاتًا وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (47)  
و او است آنکه ساخت برای شما شب را پوششی و خواب را راحتی و ساخت روز را وقت برخاستن. (47)

وَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۖ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (48)  
و او است آنکه فرستاد باد ها را مژده دهنده پیش رحمت خود. و فرو فرستادیم ما از آسمان آب پاک را. (48)

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَ نُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَ أَنَاسِيًا كَثِيرًا (49)  
تا زنده ساریم به آن شهر مرده را و بنوشانیم آن را از آنچه آفریدیم ما چهارپایان را و مردمان بسیاری را. (49)

وَ لَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ ۖ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (50)  
و البته به یقین بیان کردیم ما گوناگون آن را میان ایشان تا پند پذیر شوند پس قبول نکردند بسیاری مردم مگر ناسپاسی را. (50)

وَ لَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا (51)  
و اگر می خواستیم ما البته می فرستادیم ما در هر شهری بیم دهنده ئی. (51)

فَلَا تُطِعِ الكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (52)  
پس نکن فرمانبرداری نامعتقدان را و جهاد کن ایشان را با آن جهادی بزرگی. (52)  
وَ هُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (53)

و او است آنکه درآمیخت دو بحر را این یک گوارا، شیرین است و آن دیگر شور، بد مزه است و ساخت میان هر دوی ایشان پرده ئی و جدائی ممنوع شده (حجراً محجوراً). (53)  
وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا ۗ وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (54)  
و او است آنکه آفرید از آب انسانی پس ساخت او را خویشاوند خونی و خویشاوند نکاحی. و هست پروردگار تو توانا. (54)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ قُلَىٰ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا (55)

و می پرستند از غیر خدا آنچه را که نمی رساند سود ایشان را و نه زیان می رساند ایشان را. و است نامعتقد بر ضد پروردگار خود مدد کننده. (55)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (56)

و نفرستادیم ما ترا مگر مژده دهنده و بیم دهنده. (56)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا (57)

بگو: نمی طلبم از شما بر آن مزدی مگر کسی که خواهد آنکه بگیرد به سوی پروردگار خود راهی. (57)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا (58)

و اعتماد کن بر زنده ئی آنکه نمی میرد و به پاکی یاد کن با ستایش او. و بس است به او به گناه های بنده گانش دانائی. (58)

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسئَلُ بِهِ خَبِيرًا (59)

آنکه آفرید آسمان ها و زمین را و آنچه در میان آنها است در شش روز (دوره) باز مستقر شد بر عرش. الرحمان پس بپرس در باره او دانائی را. (59)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا | (60)

و وقتی که گفته شد برای ایشان سجده کنید برای الرحمان، گفتند: و چیست الرحمان؟، آیا سجده کنیم ما برای آنچه امر می کنی ما را؟ و زیاده شد ایشان را نفرت | . (60)

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا (61)

والا مقام است آنکه ساخت در آسمان دسته های ستاره ها را و ساخت در آن چراغی (آفتاب) و مهتاب روشنی دهنده. (61)

وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا (62)

و او است آنکه ساخت شب را و روز را به نوبت جانشین یکدیگر برای کسی که خواست آنکه یاد کند (خدا را) یا خواست سپاس گذاری کردن را. (62)

وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (63)

و بنده گان الرحمان آنانکه می روند بر زمین به آرامی و وقتی که خطاب کردند ایشان را نادانان گفتند: سلام. (63)

وَ الَّذِينَ يَبْتَئُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (64)

و آنانکه می گذرانند شب برای پروردگار شان سجده کنان و قیام کنان (ایستاده). (64)

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ مِنَّا إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (65)

و آنانکه می گویند: پروردگار ما! باز دار از ما عذاب دوزخ را؛ هرآئینه عذاب آن است جدا نا شونده (دائمی). (65)

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا (66)

هرآئینه آن است بد جایگاه و استراحت گاه. (66)

وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (67)

و آنانکه وقتیکه خرچ کردند نکردند زیاده روی (اسراف) و نکردند تنگدستی (بخل) و بود میان این ها معتدل. (67)

وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (68)

و آنانکه نمی پرستند همراه خدا معبود دیگری و نمی کشند نفس را آنکه حرام ساخته است خدا مگر به حق و نمی کنند زنا. و کسی که می کند اینها را (شرک، قتل، زنا) ملاقات می کند عذاب دشواری را. (68)

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخُذُ فِيهِ مَهَانًا (69)

دو چند می شود برای او عذاب روز قیامت و همیشه باشد در آن خوار شده. (69)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ مِنَّا وَ كَانِ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (70)

مگر کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کرد کردار شایسته پس آنها را تبدیل می کند خدا بدی های ایشان را به خوبی ها. و است خدا آمرزنده، با رحم. (70)

وَ مَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (71)

و کسی که توبه کرد و کرد کردار شایسته پس هرآئینه او توبه می کند به سوی خدا توبه کردنی. (71)

وَ الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (72)

و آنانکه نمی دهند گواهی دروغ را و وقتیکه گذر کردند بر بیهوده، گذر کردند به بزرگواری. (72)

وَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَ عُيُانًا (73)

و آنانکه چون پند داده شدند به آیت های پروردگار ایشان نه افتادند بر آن ها به کری و کوری. (73)

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (74)

و آنانکه می گویند پروردگار ما اعطا کن برای ما از زنان ما و فرزندان ما سردی چشم و



بساز ما را برای پرهیزگاران پیشوائی. (74)

أُولَىٰ-نِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا (75)

آنها پاداش داده می شوند بلند ترین جای به سبب آنکه شکیبائی کردند و ملاقات کرده می شوند در آن به دعای خیر و سلام. (75)

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا (76)

همیشه باشندگان در آن جا. نیک جایگاه و استراحت گاه. (76)

قُلْ مَا يَعْجُبُوكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ مَلِي فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (77)

بگو: نمی کند اعتنا به شما پروردگار من اگر نبودی پرستیدن و عبادت شما؛ پس به یقین به دروغ نسبت کردید پس به زودی باشد لازم شدنی. (77)